

## همسخی اندیشه های عرفانی سنائی غزنوی با خواجه عبدالله انصاری



نویسنده : دکتر بصیر کامجو

سپتامبر 2012 میلادی

اندیشه سنائی در رویکرد خداشناسی با قالب ریزی تشبیهات و تنبیهات ، معرفت هستی را در دایره کثرت به تأمل اثبات وجود و توحید به زبان می پیراهد . و آمیزش عشق و محبت را منحنیث یکی از وسیله شناخت سرچشمه معرفت عرفانی اش قرار می دهد.

با تأیید این اسلوب که نیروی جوهرذاتی عشق نقش تولیدی ای در معرفت عرفانی دارد با این نگرش، معاشق را تراوش احساس، کشش و ربایش ذاتی قلب می دانیم که بوسیله حُسن محبت در تمایل برکسی ویا چیزی چیره می گردد.

آموخته به این اصل اقرار باید کرد که آمیزش عشق و محبت نسبت به شناخت خلقت و خالق هستی اساس معرفت عرفانی را می سازد . در هماهنگی نیروی جوهرذاتی عشق و محبت است که عارفان با صافی صفای روح موفق به فهم کنه هستی و کثرت جهان مادی و معنوی و کشف رمز توحید و وحدت وجود از ورای درک شهودی و پاکیزگی نفس می شوند.

جهت گیری اختلافات و اشتراکات شیوه معرفت فلسفی و عرفانی هم در این دو نگرش شناخت ، نهفته هست . چنانیکه فلسفه در روند شناسایی جهان هستی و ذات حق به برهان عقل ، استدلال ، خرد و تجربه متکی

بوده ، سازوار و فراخور به آن - عارفان ، بر رجحان دادن شیوه تعقل ، سلوک تطبیقی و دخالت ایمان و ایقان بر بنیاد جوهر ذاتی عشق و محبت در شناخت خلقت و قدرت آفرینش تأکید می ورزند.

سنایی، نخستین شاعری است که افکار و واژه های عرفانی را با مضامین عاشقانه در آمیخت. " و يك ضلع مثلث « شعر غنایی و تعلیمی و قلندری » ، در کنار عطار و مولوی جای دارد. " (1)

سنائی به پیروی از شیوه بیان اندیشه در قالب اشعار عرفانی : ابوسعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری - وی از نخستین کسانی است که غزل را برای بیان تفکرات عرفانی و رویکرد های معرفتی مورد استفاده قرار داد.

او در مثنوی حدیقه حقیقت ، و سایر آثارش :

ناب ترین مفاهیم و مقولات معرفت عرفانی مثل : « خدا شناسی » و « توحید » ، « انسان شناسی » ، « پیرو مرشد » ، « خرقة و خانقا » و « سماع صوفیانه » ، « خرابات » ، « زهد گرائی » ، « ابلیس » ، « شطحیات » ، « مرگ » ، « خاموشی » ، « عقل و عشق » ، « حرص و طمع » ، « نظام احسن » و غیره را باز شناسی نمود.

سنائی با جهان بینی عارفانه خود مقوله اخلاقی زهد و عرفان را به حیث یک بینش معرفتی وارد مثنوی اندرزی می سازد . (2)

وی جوهر ذاتی عشق عرفانی در سالک طریق را ستایش می کند و اهمیت وجودی این عشق را در حیات انسانی شایسته بیان می نماید ، نماد خوشبختی انسان را از عشق می آغازد و در عشق می انجامد. (3) پژوهش و تحقیقات عرفانی سنائی بی تأثیر از اندیشه های خواجه عبدالله انصاری نبوده است . اصولی علمی ای که به همت سنائی آغاز و رشد غنا و تکامل داده شد ، ادامه دهنده راه معرفت عرفانی حوزه تمدنی خراسان زمین بوده که بوسیله عطار نیشابوری تداوم یافت و در شعر مولانا جلال الدین بلخی به اوج خود رسید.

از نظر سنایی، مرگ پایان زندگی نیست ؛ بلکه دروازه زندگی ابدی و جاودانه است. هدف از زندگی دنیا جز این نیست که انسان را برای يك زندگانی کاملتر و ابدی آماده کنند. البته مرگ ، سر آغاز آن زندگی نوین است و بشر با مرگ از منزلی موقت و عاریتی، به منزلی دیگر که زنده و جاودانه است منتقل می شود. (4)

البته او در بحث ماهوی تعریف مقوله مرگ ، شرحی در مورد ابعاد وجودی زندگی ابدی و جاویدانه نمی دهد . و این شرحه را به تأمل عقل و سلوک تطبیقی قرار نداده بلکه در حصار ایمان و عقیده خویش آنرا پوشیده می گذارد.

از دید همسنخی اندیشه ، این موضوع در آموزش مقامات معنوی انصاری چنین بیان گردیده است : " فرار بسوی حق برای این است که سالک واصل از لباس هستی عاریتی خارج گردد بسر عبودیت که ترک خود پرستی است برسد وجه رب رادر یابد " بقاء ابدی « پیدا کند. " (5)

در اینجا بکاربری « زندگی ابدی و جاویدانه » سنایی ، در حقیقت بیان معنایی « پیدایی بقاء ابدی » آموزش انصاری است.

ترویج آموزه های زهد و عرفان نیز از مهمترین محورهای موضوعی در قصاید سنایی است. نکوهش دنیا، مرگ اندیشی، توصیه به گسستن از آرزوهای بی حد و حصر، ترویج قناعت پیشگی و مناعت طلبی، کوشش برای به جوشش در آوردن گوهر حقیقی آدمی، از مضامین رایج قصاید اوست. (6)

بکارگیری واژه های : 1 - «مرگ اندیشی» ، 2 - « نکوهش دنیا » ، 3 - « زهد» و غیره در معرفت عرفانی سنایی از جمله مسائلی است که به مراتب در آموزش عرفانی انصاری مورد بررسی قرار گرفته است.

### 1- درمقایسه واژه « مرگ اندیشی » :

مرگ در نظر سنایی یعنی تعالی روح و رسیدن به معبود است.

سنایی سیمای مرگ و حیات را، در ابعاد گسترده آن، مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

مرگ ارادی (اختیاری) را، ریاضت و تهذیب نفس و راز دستیابی به زندگی جاودانی را ، نایل شدن به چنین مرگی می داند.

او میگوید : آدمی با برنامه های خدایی و عرفانی بر خودبینی و انانیت خود چیره آید و دیو نفس را به زنجیر عقل و ایمان درکشد تا به تهذیب درون و صفای نهان رسد.

این اندیشه در آموزش عرفانی خواجه عبدالله انصای به گونه دیگر بیان گردیده است.

اودر کتاب - مقامات معنوی... خود مقام « راز دستیابی به زندگی جاویدانی سنایی را «که آخرش « مرگ و یا چیره شدن بدیو نفس » است ، مقام صدق و مقام جای امن و مقام خواست حق سالک طریق می داند.

با این نگرش انصاری راه رسیدن به این سه مقام معنویت ( صدق ، جای امن ، خواست حق ) ، را مجاهدت علیه خواسته های نفس تلقی می کند.

و اندیشه انصاری " تهذیب نفس و مجاهدت علیه خواسته های نفس و رسیدن بمقام معنوی ( صدق ، جای امن ، خواست حق ) " از دید علمی هردو اندیشه در همسنخی تام قرار دارند و یک هدف مشخص را پیگیری می کنند.

## 2- درمقایسه واژه « نکوهش دنیا » سنایی مینویسد:

مبارز او بُود کاوّل ، غزا با جان و تن گیرد  
ز کوی تن برون آید ، به شهر دل وطن گیرد  
اگر خواهد بقا یابد ، بیاید مردنش اول

اگر معرفتی باشد که هم از خویشتن گیرد. (7)

سنایی در این شعر دو موضوع را مطالعه می کند یکی : تأکید برون رفتن از کوی تن و جایگزینی به « شهر دل » منحیث مکان امن جاویدان ، دیگری شناخت ممکنه های طلب بقاء. این مطلب سنایی : " تأکید برون رفتن از کوی تن " در اندیشه انصاری بمفهوم « فناء » و « جایگزینی به شهر دل » بمعنای « بقاء » بررسی گردیده است.

از دید انصاری " بقاء عنوانی است برای آنچه باقی است ( وجه حق ) بعد از فناى شواهد و سقوط آنها . " فناء عارض بر خلق و بقاء وارد برحق است". و باز در مورد فناء می گوید:

یا رب ار فاتی کنی ما را به تیغ دوستی

## مرفرشته ی مرگ را با ما نباشد هیچ کار (8)

دنیا و آخرت یکی از مباحث محوری اندیشه سنایی است. در نگرش سنایی دنیا و آخرت دو ضد همدیگرند که باید دنیا را رها کرد و به آخرت رسید. (9)

سنایی در معرفی مراتب عشق خود به معبودش دخالت اندیشه ودین را نفی می کند و رضاکارانه حاضر به تقدیم جان به جانان می شود . (10)

انصاری در معرفی مراتب عشق خود به معبودش ، وجود شریعت و دینداری رانفی نکرده بلکه اجرای مناسک دین و شریعت را منحیث بستر مناسب برای صفای نفس در سیر سلوک عارف بسوی مقام حق تلقی میکند . چنانچه در بحث نهایت می فرماید... "

از سنت و شریعت متابعت کامل شود و هیچ کاری انجام نشود؛ مگر این که در سنت وارد شده باشد؛

### 3 - « زهد: »

سنایی به تعریف دین و زهد نیز پرداخته است. وی دین را مقید به حکم و فرمان خدا و زهد را رویگردانی از غیر خدا میداند. دین سرباز زدن از خواست. و هوا و هوس خوداست و زهد نادیده انگاشتن هرچه غیر خداست.

دین نباشد با مراد و با هوا در ساختن

دین چه باشد؟ خویشتن در حکم دین داشتن

زهد چو بود؟ هر چه جز حق روی از آن برتافتن

زهد ن نبود روی چون طاعون و قطران داشتن (11)

از نظر انصاری: " زهد عبارت است از ترک لذایذ دنیا و هر چیزی که امکان دارد نفس (12) آدمی را به طغیان وا دارد".

تعریف « زهد » در اندیشه انصاری و سنایی مفهوم مشترک و هم سنخ دارند زیرا « زهد » بقول انصاری ترک لذایذ دنیا است و بقول سنایی روی گردانیدن از همه چیز جز پذیرش حال حق. در اینجا رویگردانیدن از همه چیز به مفهوم ترک لذایذ دنیا تعبیر می شود که این رویکرد عرفانی سنایی، از انصاری تأثیر گرفته است.

باعرض حرمت

منابع و مأخذ

1 - کتاب: " در جستجوی تصوف " ، مؤلف: زرین کوب عبدالحسین ، تهران: چاپ ششم طبع سال 1357 ، ص

. 338

2 - رجوع شود به صفحه:

( [http://www.cloob.com/...](http://www.cloob.com/.../) ) «ای+مسلمانان+خلایق+حال

(: [www.afghan-blogs.blogfa.com/post-50.aspx](http://www.afghan-blogs.blogfa.com/post-50.aspx) رجوع

صفحه به شود - 3

4 - رجوع شود به صفحه: ( [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net) )

5 - مقامات معنوی خواجه عبدالهلا انصاری ، بقلم محسن بینا ، ج 0 .

ص 83.

6 - حکیم سنایی - دیوان سنایی به کوشش مدرس رضوی طبعسال 1365 ، تهران، چاپخانه رضوی ، ص 101.

7 - حکیم سنایی غزنوی ، به اهتمام مدرس رضوی ، انتشارات کتابخانه سنایی ، سوم 1362 هـ.ش ، ص 136 ، ب 7.

8 - حکیم سنایی غزنوی ، به اهتمام مدرس رضوی ، انتشارات کتابخانه سنایی ، سوم 1362 هـ.ش ، ص 136 ، ب 7 ، ص 211 ، ب 1.

( : [www.ghaemiyeh.com/.../dlibrary/?part](http://www.ghaemiyeh.com/.../dlibrary/?part) ) 9 - صفحه به شود رجوع

10 - رجوع شود به صفحه : گیگا پارس ، دنیای فناوری اطلاعات . سنایی غزنوی در یک نگاه.

11 - همانجا.

12 - کتاب : صد میدان ، تألیف : خواجه عبدهللا انصاری ، باهتمام قاسم انصاری ، تهران - چاپ دوم ، 1361 ، خورشیدی ، ص 30 - 32.